اخبار

بازرسان آژانس تزریق گاز UF6 به سانتریفیوژها را راستی‌آزمایی کردند

سفیر و نماینده دائم کشورمان نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، تزریق گاز UF6 به زنجیره ۱۷۴ تایی سانتریفیوژهای IRm2 را تأیید کرد.

کاظم غریب‌آبادی در حساب کاربری خود در توئیتر، نوشت: مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با انتشار گزارشی نیم‌صفحه‌ای در روز گذشته، اعلام کرد بازرسان آژانس در تاریخ ۱۴ نوامبر (۲۴ آبان)، آغاز تزریق گاز UF6 به یک زنجیره ۱۷۴تایی سانتریفیوژهای «IRm2» در کارخانه غنی‌سازی سوخت در نطنز را راستی‌آزمایی کردند.

پیش از این، خبرگزاری رویترز گزارش داده بود: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی به اعضای این نهاد بین‌المللی گفته است ایران فرآیند تزریق گاز UF6 را به سانتریفیوژهای نسل دوم در سایت غنی‌سازی نطنز آغاز کرده است.

آمریکا وزیر اطلاعات و رئیس بنیاد مستضعفان را تحریم کرد

وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد سیدمحمود علوی، وزیر اطلاعات ایران را در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

به گزارش فارس، خزانه‌داری آمریکا دیروز از اعمال تحریم‌های جدید در ارتباط با ایران خبر داد. وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد سیدمحمود علوی، وزیر اطلاعات ایران را در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

بر اساس فهرستی که روی وب‌سایت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفته است، اسامی ۹ فرد از جمله وزیر اطلاعات ایران، ۴۹ نهاد و یک کشتی به بهانه‌های مختلف در ارتباط با ایران در فهرست تحریمی موسوم به SDN قرار گرفته‌اند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای که برای توضیح درباره دلایل اعمال این تحریم‌ها منتشر کرده، نوشت شرکت‌های مرتبط با بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی را در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

خزانه‌داری آمریکا علاوه بر این، با متهم کردن وزیر اطلاعات ایران به نقض «حقوق بشر» گفته نام وی را به فهرست SDN اضافه کرده است.

طبق اعلام خزانه‌داری آمریکا سیدپرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان نیز از جمله کسانی است که تحریم شده است.

ایران از روند مذاکرات صلح به رهبری دولت افغانستان حمایت می‌کند

محمدجواد ظریف در دیدار معاون سیاسی وزارت خارجه افغانستان گفت: ایران از روند مذاکرات صلح به رهبری دولت افغانستان حمایت می‌کند.

به گزارش ایسنا، محمدجواد ظریف در این دیدار ضمن خیر مقدم و ابراز تشکر از پیشرفت در مذاکرات سند جامع ۲ کشور، بیان کرد: ما خواهان امضای سندی جامع هستیم که منافع ۲ ملت را به بهترین وجه تامین کرده و باعث ارتقای سطح روابط ۲ کشور شود.

بر اساس گزارش وزارت خارجه افغانستان، ظریف در ادامه گفت: ایران از روند مذاکرات صلح به رهبری دولت افغانستان حمایت کرده و بر حفظ دستاوردهای ۱۹ سال گذشته در چارچوب قانون اساسی فعلی تاکید می‌کند.

ظریف اضافه کرد: تنها راه تامین صلح و ثبات در افغانستان از دید ما حضور سایر گروه‌ها در داخل سیستم دولت افغانستان است و ما در این باره با کشورهای همسایه و منطقه نیز به وضوح صحبت کرده‌ایم.

ظریف افزود: از اراده نیک و نیت مقامات دولت افغانستان درباره توسعه و گسترش روابط با ایران آگاه هستیم و از آن سپاسگزاریم. وی ادامه داد: ما آمادگی کامل برای افتتاح خط آهن خواف- هرات داریم و در صورتی که کرونا مشکل ایجاد نکند این افتتاح حضوری خواهد بود.

معاون سیاسی وزارت خارجه افغانستان هم در این دیدار گفت: از موضع اصولی ایران در حمایت از روند صلح و مذاکرات به رهبری دولت افغانستان سپاسگزاریم. وی با اشاره به اهمیت کنفرانس ژنو برای افغانستان گفت: خواهان حضور فعال ایران در این کنفرانس هستیم که از طرف آقای ظریف وعده اشتراک در سطح عالی داده شد.

همچنین محمدحنیف اتمر، سرپرست وزارت امور خارجه، با ابراهیم طاهریان‌فرد، نماینده ویژه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در افغانستان در این وزارتخانه ملاقات کرد. در این دیدار طاهریان‌فرد درباره حمایت جمهوری اسلامی ایران از مذاکرات صلح و تلاش‌های ایران برای ایجاد اجماع منطقه‌ای و جهانی در حمایت از این روند صحبت کرد و همچنین حمایت کشورهای منطقه و جهان را از مذاکرات جاری صلح، مهم و اساسی خواند.

وی با در نظر داشتن موانع فراروی مذاکرات صلح در دوحه و تأثیرات آن بر نتایج کنفرانس ۲۰۲۰ افغانستان که قرار است هفته آینده در ژنو برگزار شود، صحبت کرد.

خواستار شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده ایران هستیم

«رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی یک کنفرانس خبری از ایران درخواست کرد درباره فعالیت‌های اعلام‌نشده هسته‌ای خود به آژانس شفاف‌سازی کند. به گزارش فارس، وی با توجه به برخی ادعاها مبنی بر وجود ذرات اورانیوم در مکانی در ایران که به آژانس اعلام نشده، گفت: «ایران همچنان باید به طور کامل و به‌سرعت درباره فعالیت‌هایی که در مکان اعلام‌نشده به آژانس انجام می‌دهد، توضیح دهد تا نگرانی‌ها درباره صحت و کامل بودن توافقات پادمانی برطرف شود. ایران باید اطلاعات موثقی به آژانس ارائه دهد». گروسی در پاسخ به سوالی درباره جدیدترین گزارش آژانس درباره اقدام ایران مبنی بر آغاز تزریق «هگزافلوراید اورانیوم» به سانتریفیوژهای پیشرفته «IRm2» گفت: «این یک به‌روزرسانی بود، ما قبلا نیز اعلام کرده بودیم که آبشارهای سانتریفیوژ نطنز از مرکز غنی‌سازی آزمایشی به مرکز غنی‌سازی سوخت منتقل شده‌اند، این قبلا اتفاق افتاده است و مساله جدیدی نیست. هنوز از آن بهره‌برداری نکرده‌اند و در حال انجام است و در این مرکز سانتریفیوژها راه‌اندازی می‌شوند».

مدیرکل آژانس در ادامه تأکید کرد در حال حاضر سایتی در ایران وجود ندارد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به دنبال دسترسی به آن باشد.

رویکرد آمریکا در قبال ایران عوض نمی‌شود

محمدباقر قالیباف در نشست مجمع عمومی فراکسیون انقلاب اسلامی با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بیان کرد: مطمئن باشید رویکرد آمریکا در قبال ایران، با تغییر رئیس‌جمهور این کشور عوض نخواهد شد، از این رو برای تغییر رویکرد آمریکا باید نگاه‌مان در جهت تقویت داخل باشد، امروز این ظرفیت در کشور وجود دارد و قطعا بدون تولید قدرت و پیشرفت در حوزه اقتصادی به عنوان اولویت اول، این تغییر امکان‌پذیر نیست.

مدل روحانی- ظریف یک تجربه شکست‌خورده و عبرت‌آموز در حوزه تنظیم و توازن مدیریت داخلی و تعامل خارجی است

بازنده

گروه سیاسی: دولت روحانی این روزها در حالی تلاش می‌کند با تغییر ادبیات خود، حمله به دیگر قوا، توهین به منتقدان عملکرد دولت و تکرار برخی ادعاهای قدیمی ماه‌های پایانی خود را سپری کند که بررسی مجموعه سیاست‌ها، استراتژی‌ها و عملکرد این دولت نشان از تبدیل شدن آن به یک الگوی شکست‌خورده برای عبرت‌گیری دیگران دارد؛ الگویی پرفراز و نشیب که در نهایت این روزها به نقطه آغازین خود بازگشته است و امید به طی کردن مجدد آن مسیر را دارد.

■ مثل همان روز اول

نگاهی به مواضع مقامات دولتی و در رأس آنها رئیس‌جمهور، در ماه‌های پایانی دولت حکایتی از تکرار مکررات است؛ حرف‌ها و آرزوهایی که از روز نخست دولت در سال ۹۲ دائما تکرار شده و حالا در آخرین ماه‌های حکمرانی دولت دوازدهم کماکان همه چیز بر مدار آنها تعریف می‌شود. کلیدواژه «تحریم» به عنوان نقطه کانونی مفهوم‌پردازی‌های دولت همچنان بار تمام مباحث را به دوش می‌کشد و هر مقام دولتی تمام مشکلات موجود کشور را با این واژه دارای نسبت می‌داند.

روحانی که در انتخابات سال ۹۲ با تعریف تحریم به عنوان علت‌العلل مشکلات جامعه ایران موفق به کسب آرا شد و پس از آن با در اختیار داشتن بی‌سابقه‌ترین امکان‌ها برای مذاکره با طرف آمریکایی به سمت توافق هسته‌ای حرکت کرد و در نهایت سال ۹۶ وعده رفع تحریم‌های غیرهسته‌ای در صورت انتخاب مجدد را داد، این روزها هنوز تحریم جزء جداناشدنی سخنرانی‌هایش است و از محاسن ایران بدون تحریم سخن می‌گوید. موضع آشنا و تکراری دولت در این زمینه در حالی است که اساسا فلسفه شکل‌گیری و انتخاب دولت او از میان برداشتن همین واژه از واقعیت زندگی مردم بود. روحانی و دیگر مقامات دولتی در شرایطی با اعتماد به نفسی مثال‌زدنی مدیریت خود را در شرایط پابرجا ماندن تحریم‌ها تحسین‌برانگیز می‌دانند که اساسی‌ترین وعده آنها و مهم‌ترین کارویژه‌ای که برای‌شان تعریف شده بود از میان برداشتن همین تحریم‌ها بوده است و اگر آنچنان که خود آنها نیز اذعان می‌کنند، تحریم‌ها مانع شکوفایی اقتصادی و حادث شدن انبوهی از مشکلات شده است، نشان از عملکرد ضعیف آنها دارد.

در همین زمینه رئیس‌جمهور چندی پیش با بیان اینکه پیش از این در شرایط «تحریم اقتصادی» بوده‌ایم و اکنون در موقعیت «جنگ اقتصادی» قرار گرفته‌ایم تلاش کرد مدیریت خود و همراهانش را مدیریتی موفق(!) توصیف کند؛ او در حالی برای این توصیف از عنصر تحریم وام‌گیری کرد که صرف اقرار به آن ادعا نشان از شکست دولت او دارد. دولتی که وعده رفع تحریم‌ها را داده است و بر مبنای آن تمام امور داخلی کشور را به توافق خارجی خود با آمریکا پیوند زده است، پس از انعقاد توافق کماکان با همان تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و به جای پاسخگویی نسبت به دستاورد مذاکرات اینچنینی، به مدیریت خود در شرایط تحریم افتخار می‌کند. بر همین اساس نگاهی اجمالی به سخنان این روزهای مقامات دولتی و قیاس آن با صحبت‌های روزهای آغازین دولت نشان از یک تکرار بی‌سرانجام دارد؛ تکراری که مبنای آن را باید در قرار گرفتن «آرزو» به جای «استراتژی» دانست. دولتی که با آرزوی رفع تحریم‌ها قدرت را به دست گرفت و معتقد بود با تحقق آرزوهایش قادر به خلق موقعیتی ممتاز و عبور از جایگاه موجود خواهد بود، پس از بر باد رفتن آرزوهایش هیچ استراتژی معینی برای مدیریت کشور نداشته است؛ آنچنان که با گذشت ۲/۵ سال از خروج دولت آمریکا از برجام، کماکان نمی‌توان استراتژی جایگزینی را در رفتار مقامات دولتی یافت، آنها کماکان به محکوم کردن اقدام رئیس‌جمهور آمریکا ادامه می‌دهند و هیچ استراتژی دیگری جز فرستادن لعن و نفرین به کاخ سفید تجویز نکرده‌اند. بی‌عملی مضاعف در سایه شکست تنها ایده مدیریتی دولت یعنی برجام، باعث شده است فضای عمومی کشور در ۲/۵ سال گذشته شاهد رهاشدگی کامل امور باشد. نرخ صعودی ارز و افزایش ۱۰ برابری آن در بازه زمانی ۳ ساله که در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود، مهم‌ترین شاهد مثال رهاشدگی مدیریت کشور در شرایط بحرانی کنونی است.

در این میان لحن مقامات دولتی و متوسل شدن مجدد آنها به توهین‌های زنجیره‌ای به منتقدان، از دیگر مواردی است که یادآور سال‌های نخست دولت به شمار می‌آید؛ دولتی که در سال پایانی خود باید در جایگاه پاسخگو قرار گرفته و نسبت به عملکرد خود توضیح دهد، کماکان از منتقدان خود دشمن فرضی می‌سازد و به جنگ آنها می‌رود.

برای نمونه می‌توان به سخنان روز گذشته رئیس‌جمهور استناد کرد؛ جایی که او در واکنش به انتقادات گسترده نسبت به عملکرد دولت گفت: «جنایات آمریکا را نباید لاپوشانی کنیم. آمریکا جنایت کرده است. به جای اینکه بگویند آمریکا جنایت کرده می‌گویند دولت در مدیریتش چه کار کرده است؟ شما اصلا می‌دانید مدیریت چیست که این حرف‌ها را می‌زنید؟ این دولت همان دولتی است که بالاترین رشد اقتصادی و کاهش‌یافته‌ترین تورم را در دوران خودش در سال ۹۴، ۹۵ و ۹۶ به وجود آورده است. این دولت همان دولت است. همان‌ها هستند که دارند تلاش می‌کنند».

> **بی‌دستاوردی دولت یازدهم و دوازدهم در حالی تبدیل به چالش روزهای پایانی آن شده است که کمتر دولتی را پس از انقلاب می‌توان همانند آن یافت. روحانی در ماه‌های پایانی دولت خود هر قدر هم تلاش کند با توهین به منتقدان خود و در پیش گرفتن ادبیات آب و صابونی خود را از موضع پاسخگویی خارج کند اما نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای مدعی دستاورد باشد**

اظهارات اینچنینی آن هم در شرایطی که حتی حامیان دیروز دولت نیز این روزها به ضعف عملکرد آن و اشتباه بودن ایده‌هایش اقرار کرده‌اند، تنها می‌تواند به مثابه تلاش برای توسل به استراتژی قدیمی دولت مبنی بر تحقیر و ایجاد تشکیک پیرامون منتقدانش تفسیر شود.

■ توازن معیوب سیاست خارجی و امور داخلی

شناخت و بررسی گفتمان، عملکرد و نتایج اقدامات هر دولت پیش از هر چیز نیازمند مبدا ظهور آن دولت است. دولتی که در موقعیت اضطراری تشکیل می‌شود نمی‌تواند خاستگاه و کارویژه‌ای همانند دولتی که محصول دوره ثبات بوده است داشته باشد. دولتی که بر اثر ائتلاف چندین جریان تاسیس می‌شود نمی‌تواند از سنخ دولتی باشد که در نتیجه فعالیت‌های مستمر یک حزب در سالیان سال بوده است.

بر این مبنا هر گونه قضاوت پیرامون دولت روحانی نیازمند شناخت بستر روی کار آمدن آن، ایده‌ای که برای تغییر شرایط داشته و نسبت اقدامات صورت گرفته با ۲ عامل پیشین است.

دولت روحانی آنچنان که پیش از این نیز مورد اشاره قرار گرفت، دولتی برخاسته از شرایط اضطراری اوایل دهه ۹۰ و فشارهای اقتصادی پس از تحریم‌های خارجی بود که با طرح ایده‌ای مبتنی بر سیاست خارجی تنش‌زدا موفق به کسب آرای مردمی شد. عملکرد چنین دولتی پیش از هر چیز در نسبت با موقعیت تحریم‌های خارجی تعریف می‌شود و بر جا ماندن آن تحریم‌ها و حتی تثبیت جایگاه‌شان در زندگی مردم نشان از ناکامی کامل آن دارد. با این حال در توصیف و تشریح این ناکامی باید به مساله مهم توازن سیاست خارجی دولت و نسبت آن با امور داخلی پرداخت.

دولت روحانی در آغاز به کار خود- و پیش از آن در میدان رقابت‌های انتخاباتی- با برجسته کردن عامل سیاست خارجی به عنوان تعیین‌کننده‌ترین متغیر موجود، تمام توجهات را به سمت نتایج مذاکرات خارجی برد. در چنین فضایی میدان مذاکرات خارجی از یک میدان ملی تبدیل به میدانی جناحی شد، تا جایی که حتی وزیر امور خارجه در سخنرانی خود در شورای روابط خارجی آمریکا در موضعی غیرملی، تعجیل در توافق را به عنوان عاملی موثر برای در قدرت ماندن دولت مستقر و حامیان اصلاح‌طلبش دانست. ادامه این رویکرد ضدملی، مذاکرات خارجی را تبدیل به میدان برد و باخت جناح‌های داخلی کرد. رسانه‌های حامی دولت پس از هر توافقی با تشویق مردم برای برگزاری شادی‌های خیابانی عملا باعث بالا رفتن حساسیت عمومی در حاشیه مذاکرات شدند. شرطی شدن جامعه، بازار و سایر سطوح زیست عمومی به میدان متاثر از مذاکرات کار را به جایی کشاند که در نهایت هم سیاست خارجی و هم امور داخلی قربانی فضای هیجانی مذاکرات شود. به عبارت دیگر از سویی تبدیل ابزار دیپلماسی به یک هدف، باعث غفلت از سایر وجوه داخلی قدرت و لزوم برنامه‌ریزی برای اصلاح ساختار داخلی و تقویت قدرت درونی ایران شد و از سوی دیگر فشار رسانه‌ای برای رسیدن به توافق هسته‌ای باعث شد در نهایت طرف مقابل نیز با علم به موقعیت اضطراری ایران برای رسیدن به یک توافق، در برابر امتیازات ایران، امتیازات قطره‌چکانی و مشروطی بدهد که به سهولت هر چه تمام‌تر در جریان برجام نقض شدند. در این میان هر چند جناح‌های همسو با دولت از نان مذاکرات متنعم شدند اما از چاه آن آبی برای مردمی که منتظر گشایش‌ها بودند استخراج نشد.

دولت روحانی به عنوان دولتی که تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد سیاست خارجی گذاشته بود، پس از اوباما و ترامپ، حالا در انتظار روی کار آمدن جو بایدن نشسته و رسانه‌های حامی خود را بسیج کرده است تا با تکرار آرزوهای قدیمی و برجامی، تعویض ساکنان کاخ سفید را یک تعویض طلایی تفسیر کنند. اما دولت پیش از هر گونه تفسیری باید از نتیجه سیاست‌های خود در مواجهه با ۲ دولت پیشین آمریکا دفاع کند. محدود کردن همه پاسخ‌ها به این مساله که دولت ترامپ یک دولت استثنایی بوده است، تنها می‌تواند به عنوان فرار به جلو معنا شود. عملکرد دولت و در پیش گرفتن رویه‌ای عقلانی نه‌تنها می‌توانست امتیازات بیشتری برای کشورمان به همراه داشته باشد که متقابلا باعث افزایش هزینه‌ها برای ترامپ نیز می‌شد.

در نهایت سیاست دولت و توازن معیوب آن در میان سیاست خارجی و امور خارجی، از دولت یازدهم و دوازدهم الگویی کامل برای چگونگی شکست دولت‌ها ترسیم کرد. الگوی تک متغیر دولت که امید زیادی به همراهی طرف متخاصم خارجی داشت، تدبیری برای پس از ناامیدی خود نیندیشیده بود.

■ چالش دستاوردی پاستور

بی‌دستاوردی دولت یازدهم و دوازدهم در حالی تبدیل به چالش روزهای پایانی آن شده است که کمتر دولتی را در تاریخ ایران می‌توان همانند آن یافت. روحانی در ماه‌های پایانی دولت خود هر قدر هم که تلاش کند با توهین به منتقدان خود و در پیش گرفتن ادبیات آب و صابونی خود را از موضع پاسخگویی خارج کند اما نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای مدعی دستاورد باشد. اقتصادی که نامتلاطم‌ترین روزگار خود را در روزهای پسابرجامی دولت او تجربه کرد و اقتصاد ایران را با پدیده دلار ۳۰ هزار تومانی مواجه کرد، سیاست خارجه‌ای که تمام ابتکار عمل خود را مشروط به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا کرده، در کنار کارنامه شکست‌خورده دولت در زمینه مسکن و سیاست‌های رفاهی نشان از یک چالش بی‌سابقه دارد. دولتی به پایان خط رسیده که هیچ مسیری را برای مردم طی نکرده و سعی می‌کند در جایگاه یک قربانی خود را تعریف کند!

سرکرده گروهک «جیش العدل» طراح حمله انتحاری به اتوبوس حامل رزمندگان سپاه اصفهان به هلاکت رسید

شکار در کمینگاه

گروه سیاسی: ملاعمر شاهوزهی، از سرکردگان ارشد گروهک تروریستی جیش العدل که طراح حمله انتحاری به اتوبوس حامل رزمندگان سپاه اصفهان در سال ۹۷ بود با ۲ همراهش در منطقه تربت پاکستان به هلاکت رسیدند. به گزارش «وطن امروز»، عمر شاهوزهی ملقب به ملاعمر، رهبر جیش‌العدل همراه ۲ پسرش در شهر تربت پاکستان کشته شدند.

در همین حال، رسانه‌های پاکستان با انتشار تصاویری اعلام کردند عمر شاهوزهی (ملقب به ملاعمر بلوچی) رهبر جیش العدل همراه ۲ پسرش در تربت پاکستان به هلاکت رسیدند. به گزارش رسانه‌های پاکستانی به نقل از پلیس و نیروهای سپاه مرزی مستقر در ایالت بلوچستان واقع در جنوب این کشور ۳ تروریست در جریان عملیات نیروهای امنیتی در منطقه «تربت» به هلاکت رسیدند. به شهادت رساندن ۱۴ مرزبان ایران در سراوان، ربودن ۵ مرزبان ایرانی در سال ۹۲، ربودن ۱۲ مرزبان ایرانی در سال ۹۷، حمله به بالگرد در سراوان و حمله به پایگاه بسیج در نیکشهر از سوابق تاریک جنایت‌بار این تروریست سابقه‌دار است.

شرور عمر شاهوزهی در راستای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران با سلطنت‌طلبان خارج از کشور، سرویس‌های جاسوسی کشورهای معاند ایران و منافقین در ارتباط بوده و کمک‌های اطلاعاتی و مالی زیادی از آنها جهت تشدید فعالیت‌های خود در منطقه بلوچستان دریافت کرده و به عنوان یکی از حامیان گروهک‌های تروریستی موسوم به سپاه صحابه، جیش النصر، جیش‌العدل و جندالله مقادیری از این کمک‌های مالی و اطلاعاتی را جهت انجام اقدامات تروریستی در اختیار گروهک‌های مذکور قرار می‌داد. این اشرار در یکی از آخرین اقدامات تروریستی خود شامگاه چهارشنبه ۱۶ مهرماه ضمن تماس با ۱۱۰ ماموران نیروی انتظامی را به محل کمین خود هدایت می‌کنند و ستوان سوم آیت‌الله خانعلی‌پور، گروهبان یکم مرتضی مالکی و سرباز وظیفه محمدرضا نظریاتی را به شهادت رسانده و بر اثر حمله به پاسگاهی در سراوان نیز درجه‌دار پرویز کیخایی و سرباز وظیفه شمس‌آبادی را مجروح کردند. جیش‌العدل که خود را «ارتش عدالت و برابری» معرفی می‌کند، یک گروهک تروریستی است که برای دستیابی به اهداف خود به مبارزه مسلحانه روی آورده است. بعد از اعدام و به هلاکت رسیدن سرکرده گروهک تروریستی جندالشیطان، بقایای این گروه، اقدامات جنایتکارانه خود را ادامه دادند. ابتدا گروهکی به نام «انصار» در سیستان‌وبلوچستان تشکیل دادند، پس از آن نیز در مردادماه سال ۱۳۹۱ شاخه‌های نظامی گروهک تروریستی «جیش العدل» را ایجاد و مناطق مرزی پاکستان و ایران را به عنوان محل استقرار اصلی خود انتخاب کردند.

وزارت اطلاعات اسناد مکاتبات سری گروهک «حرکة النضال» با سرویس اطلاعاتی عربستان را منتشر کرد

ضربه اطلاعاتی به سعودی

گروه سیاسی: وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران اسناد مکاتبات سری گروهک حرکه النضال با سرویس اطلاعاتی سعودی را منتشر کرد. این اسناد که در پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران منتشر شده، نشان‌دهنده مکاتبات این گروهک تروریستی با سرویس اطلاعاتی سعودی است.

به گزارش «وطن امروز»، وزارت اطلاعات هفته گذشته در اطلاعیه‌ای از شناسایی و دستگیری فرج‌الله چعب، سرکرده این گروهک تجزیه‌طلب خبر داد و اعلام کرد: عامل اصلی حمله تروریستی خونین ۳۱ شهریور ۹۷ اهواز توسط سربازان گمنام امام زمان(عج)، شناسایی و به دام افتاد.

در متن اطلاعیه وزارت اطلاعات همچنین آمده بود: «با اقدامات تخصصی و ترکیبی سربازان گمنام امام زمان(عج)، فرج‌الله چعب، سرکرده گروهک تجزیه‌طلب حرکه النضال شناسایی و دستگیر شد. سرکرده گروهک تجزیه‌طلب حرکه النضال در سال‌های اخیر قصد چندین عملیات بزرگ دیگر در تهران و خوزستان را داشت و اخیرا در حال برنامه‌ریزی برای هدایت عملیات تروریستی جدیدی بود که با اشراف اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان(عج) ناکام ماند.

این گروهک که تحت حمایت مستقیم سرویس‌های اطلاعاتی عربستان و رژیم صهیونیستی قرار دارد، به‌رغم صدور حکم بین‌المللی برای سرکردگان آن گروه، عملیات تروریستی در ایران را مدیریت می‌کرد. عامل اصلی حمله تروریستی خونین ۳۱ شهریور ۹۷ اهواز که اکنون در دستان وزارت اطلاعات قرار دارد؛ از دیگر عملیات تروریستی و خونین این گروهک نیز جزئیاتی بیان کرده است».

«حرکه النضال العربی لتحریر الاحواز»، (جنبش عربی آزادی‌بخش اهواز) از جمله مشهورترین گروهک‌های تروریستی و تجزیه‌طلب است.

تشکیلات نظامی و تروریستی «حرکه النضال العربی لتحریر الاحواز» و شاخه نظامی آن با هدف مقابله با جمهوری اسلامی و تجزیه خوزستان فعالیت خود را آغاز کرد. این گروه که بازوی نظامی جبهه التحریر- جنبشی نظامی که در عراق مستقر بود- است، شیوه مسلحانه و تروریستی را برگزید. افراد این گروه تجزیه‌طلب عقیده دارند باید مبارزه مسلحانه تا آزادی عربستان (استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان و جزایرخلیج‌فارس!) ادامه داشته باشد. آنها جزایر سه‌گانه بوموسی و تنب را نیز بخشی از خاک اعراب می‌دانند و علاوه بر آن در نقشه‌های خود عنوان مجعول خلیج عربی را به جای خلیج‌فارس برگزیده‌اند.